

بررسی تطبیقی ملی‌گرایی و عشق به وطن در اشعار ابراهیم طوقان و میرزاده عشقی

فاطمه صحرادوان

دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات عرب، کهنوج، کرمان، ایران

چکیده

ایران و فلسطین، در طول تاریخ خود همواره با حوادث زیادی روبرو بودند بنابراین ادبیات پایداری در این دو سرزمین به شکل بسیار برجسته‌ای رواج یافته است بیان شاعرانه حس وطن دوستی، مبارزه علیه استبداد و استعمار و فداکاری در راه وطن از ویژگیهای بارز این گونه ادبی است که در سروده‌های پایداری این دو سرزمین بازتاب گسترده‌ای داشته است. در جای جای دیوان اشعار شاعر ملی‌گرا و آزادی‌خواه فلسطینی ابراهیم طوقان و شاعر ملی‌گرا و وطن‌دوست ایرانی میرزاده عشقی، احساس عشق به وطن و جان‌بازی در راه آزادی متجلی است زیرا درون مایه شعر این دو تحریک حس وطن دوستی و آزادی‌خواهی با تکیه بر ملی‌گرایی به منظور ایجاد روحیه پایداری و ایثار و مقاومت در راه وطن و آزادی است؛ بنابراین شعر اجتماعی و سیاسی این دو وجوه اشتراک فراوانی باهم دارد.

واژه‌های کلیدی: عشق به وطن، ملی‌گرایی، ادبیات پایداری، فلسطین، ایران، ابراهیم طوقان، میرزاده عشقی.

۱- مقدمه

ادبیات در ماندگاری ارزش‌ها و اندیشه‌ها سهمی بزرگ و انکارناپذیر دارد و ویژگی‌های ادبی، فرهنگی و اجتماعی همه ملت‌های جهان را معرفی می‌کند و در این میان ادبیات عربی و فارسی از مهم‌ترین ادبیات‌های کهن بشری محسوب می‌شوند که انواع‌گونه‌های ادبی را در خود جای داده‌اند و بسیاری از شاعران عرب با شاعران ایران زمین همانند سازی می‌کنند و از آنجا که این دو کشور همواره مورد هجوم و تجاوز بیگانگان قرار گرفته و این دو سرزمین پیوسته مورد تاخت و تاز دشمنان و صحنه‌های جنگ و پایداری ملت بوده است که پس از آن نوبت به ادبیات مقاومت می‌رسد و همواره شاعران در تحریک و تشویق و راهنمایی مردم و زمام‌داران سرزمین‌شان گوی سبقت را از دیگران ربوده‌اند و نقش و تاثیر آنان بر کسی پوشیده نیست، ادبیات مقاومت نقش مهم و خاصی در نشان دادن مفاخر و جان‌فشانی‌های مردم داشته است؛ بنابراین پژوهش حاضر در پی بررسی صورت‌های متفاوت وطن‌دوستی و ملی‌گرایی در اشعار این دو شاعر بوده تا با یک نگاه تطبیقی افکار ناسیونالیستی و تاثیرگذاری این ادبیات را بر افکار آنان آشکار سازد، این پژوهش می‌کوشد به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱- حس وطن‌دوستی و ملی‌گرایی در اشعار ابراهیم طوقان و میرزاده عشقی چه جلوه‌هایی دارد؟

۲- آنها این حس و علاقه را چگونه منتقل کرده‌اند؟

۲- پیشینه پژوهش

در زمینه افکار و اندیشه‌های میهن‌پرستانه طوقان و عارف قزوینی در ادبیات مقاومت پژوهش‌هایی صورت گرفته از جمله مقاله «مقایسه ناسیونالیسم در اشعار عارف قزوینی و ابراهیم طوقان» از مهدی ممتحن (۱۳۸۸)، در نشریه ادبیات تطبیقی، سال سوم، شماره ۱۰، که در آن وطن‌پرستی این دو شاعر مورد بررسی قرار گرفته و وجوه اشتراک آن دو ذکر شده است. «ابراهیم طوقان پایه‌گذار شعر مقاومت» از کبری روشن (۱۳۸۶) در مجله‌الجمعیه‌الایرانیه، شماره ۸ در این مقاله در مورد دلایل ایجاد ادبیات مقاومت توسط طوقان، سبک شاعری و برخی دیدگاه‌های ناسیونالیستی ایشان سخن گفته شده است. «تحلیل مفهوم وطن در شعر و اندیشه‌ی میرزاده عشقی» از میلاد شمعی و مینو بی‌طرفان (۱۳۹۳) در مجله‌ی شعر پژوهی دانشگاه شیراز، شماره‌ی اول که در این مقاله به بررسی و تحلیل و مفهوم وطن‌دراشعار و اندیشه‌ی این شاعر پرداخته است. «مقایسه مفاهیم وطن و آزادی در غزلیات پنج شاعر آزادی» از دکتر محمود صادق زاده فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه‌های ادبی سال سوم از دوره جدید شماره ۱۰ که به مقایسه و تجزیه و تحلیل مفاهیم وطن و آزادی در اشعار و اندیشه‌های این شاعران پرداخته شده است که میرزاده عشقی از بارزترین این شاعران محسوب می‌شود. این پژوهش سعی دارد با نگاهی تطبیقی به بررسی مفهوم وطن‌دوستی در اشعار این دو شاعر بپردازد.

۳- ضرورت و هدف پژوهش

هر دو شاعرسروده‌های متعدد، پربار و قابل‌تأملی در مورد عشق و علاقه به وطن دارند و این اشتراکات و پیوند میان ملت‌مظلوم فلسطین و ملت ایران ضرورت اصلی این پژوهش بوده است. هدف از این پژوهش ارائه تصویری دقیق از حس وطن‌دوستی دو شاعر بزرگ و ملی‌گرای فلسطین و ایران است.

۴- روش پژوهش

پژوهش پیش‌رو با رهیافتی توصیفی - تحلیلی و تطبیقی و به روش کتابخانه‌ای و اسنادی فراهم آمده است؛ بدین ترتیب که ابتدا منابع درباره وطن‌دوستی بررسی می‌شود و در ادامه با این رویکرد، وطن‌دوستی دو شاعر را تحلیل می‌کنیم.

۵- زندگی نامه ابراهیم طوقان و میرزاده عشقی

شاعر و ادیب فلسطینی است. در خانواده ای معروف به علم و ادب در نابلس متولد شد. دوره آموزش ابتدایی را در همان جا فرا گرفت. سپس به مدرسه المطران (سانت جرج) در قدس رفت. در آنجا بود که چشمانش بر روی گنجهای ادبیات عرب گشوده شد و در سرودن شعر کوشید.

در سال ۱۹۲۳ به دانشگاه آمریکایی بیروت رفت. این مرحله از تحصیلاتش با برکت ترین مرحله درسی او بود و بیشتر پاداش و وعده عطا را دربر داشت. در سال ۱۹۲۴ که قصیده ملائکه الرحمه (فرشتگان رحمت) را منتشر ساخت و تمامی نظرها به سوی او جلب شد.

پس از آن سرودن اشعار ملی و انسانی را به خوبی ادامه داد و روزنامه های لبنانی به او لقب شاعر دانشگاه را دادند. او در سال ۱۹۲۹ به کسب مدرک دانشگاهی اش نایل آمده و به نابلس بازگشت.

پس از بازگشت به نابلس به عنوان مدرس در مدرسه النجاح الوطنیه (ملی) نابلس مشغول به تدریس شد و مدت یک سال در آنجا اقامت داشت. در طی این یک سال فلسطین شاهد انقلاب ۱۹۲۹ بود. ابراهیم طوقان شعر ملی را به مانند فریادهایی برانگیزاننده و آتشی برافروخته ساخت. از مشهورترین قصائد زمان او "سه شنبه سرخ" است که در مراسم سالانه مدرسه النجاح و در حالی که بیش از ۱۰ روز از اعدام شهید فؤادحجازی و محمد مجوم و عطاالزیر در روز سه شنبه ۱۹۳۰/۶/۱۷ نگذشته بود قرائت کرد. این شاعر به مدت دو سال در دانشگاه آمریکایی بیروت به تدریس پرداخت. سپس به قدس برگشت و در مدرسه رشیدیه قدس به عنوان مدرس مشغول به کار شد؛ اما به دلیل بیماری معده که از دوران دانشجویی بر او عارض شده بود تحت عمل جراحی قرار گرفت. سپس به نابلس بازگشت و در شهرداری آن به مدت دو سال به کارپرداخت. هنگامی که در سال ۱۹۳۶ رادیو قدس تأسیس شد، ابراهیم طوقان به عنوان ناظر برنامه های عربی آن انتخاب شد و به مدت چهار سال در این بخش به فعالیت پرداخت و برای رادیو برنامه های ادبی، داستان و روایات می نوشت و شعر می سرود تا اینکه در اواخر سال ۱۹۴۰ از کارش دست کشید. وی سپس فلسطین را به مقصد عراق ترک کرد و در دارالمعلمین رستمیه به تدریس پرداخت اما به دلیل بیماری دو ماه بیشتر در آنجا باقی نماند. لذا به نابلس بازگشت. در آنجا دچار خونریزی معده شد و سرانجام در ۱۹۴۱/۵/۲ فوت کرد و در شهر نابلس به خاک سپرده شد.

سید محمدرضا عشقی معروف به میرزاده عشقی فرزند ابوالقاسم کردستانی در سال ۱۲۷۲ در شهر همدان متولد شد. سال های کودکی را در مکاتب محلی و از سن هفت سالگی به بعد در آموزشگاههای «الفت» و «آلیانس» به تحصیل فارسی و فرانسه مشغول شد. وی تا سن ۱۷ سالگی به تحصیل پرداخت و چون زبان فرانسه را به خوبی می دانست نزد بازرگانی فرانسوی به مترجمی مشغول شد (عشقی، ۱۳۴۴، ۴). وی در سال ۱۳۳۳ قمری در همدان «روزنامه عشقی» را بنیان نهاد. در اوایل جنگ جهانی اول با گروهی از مردان سیاسی و آزادی خواه به استامبول مهاجرت کرد و چند سال آنجا اقامت کرد که منظومه «نوروزی نامه» حاصل اقامت در آنجاست (عشقی، ۱۳۴۴: ۵).

عشقی پس از بازگشت به ایران راهی تهران شد و کوشش های سیاسی و آزادی خواهی خود را کنار دیگر آزادی خواهان آغاز کرد «نیش قلم عشقی بیش از همه متوجه وثوق الدوله نخست وزیر ایران و عاقد قرارداد معروف و منحوس ایران و انگلیس بود. عشقی این قرارداد را معامله ایران به انگلستان نامید» (آرین پور، ۱۳۸۲: ۳۶۱).

وی با اینکه خود از آزادی خواهان بود اما در آن زمان با جمهوری ساختگی و به قول خود جمهوری قلابی به مخالفت پرداخت و مقالات تند و اشعار نیش دار در مورد آن منتشر کرد. عشقی در سال ۱۳۳۹ قمری روزنامه «قرن بیستم» را منتشر کرد که به دلیل نشر مقالات تند و آتشین مورد خشم حکومت قرار گرفته و پس از چهار شماره تعطیل شد. عشقی دوباره در سال ۱۳۴۲

قمری روزنامه «قرن بیستم» را منتشر کرد و در شماره اول آن چند کاریکاتور، شعر و مقاله تند علیه جمهوری و جمهوری خواهان نوشت و اظهار کرد که این جمهوری تقلبی و به دستور بیگانگان است. بلا فاصله پس از انتشار این مطالب روزنامه توقیف شد و نسخه های آن به وسیله شهربانی جمع آوری شد. اندکی بعد عشقی در بامداد آخر ذیقعده ۱۳۴۳ قمری برابر با دوازدهم تیر ۱۳۰۳ شمسی به وسیله دو نفر ناشناس به قتل رسید و مردم جسد او را با احترام در ابن بابویه به خاک سپردند.

از جمله آثار عشقی می توان به منظومه های «نوروزی نامه» در توصیف بهار استامبول «جمهوری نامه» «احتیاج» «سه تابلوی مریم» که شاهکار ادبی او است اشاره کرد. (همان: ۳۶۷).

۶- عشق به وطن

یکی از مواردی که دو شاعر به آن پرداخته اند وطن پرستی است. ابراهیم طوقان در قصیده «موطنی» و «وطنی انت لی» وطنش را همه آرزوهایش و جایگاه شکوه و روشنایی و مایه نجات و امید می داند. شاعر خود را عاشقی شیفته و وطن را معشوقی دلربا تصور می کند که به عشق او ترانه عاشقانه سر می دهد. وی در این بخش با تکرار کلمات علاقه خویش به وطن و خاک و هوای آن را نمایان می سازد و امیدوار است روزی دوباره کشورش را سالم و پاک از وجود بیگانگان بیابد. وی در قصیده «وطنی انت لی» می گوید:

وطنی انت لی و الخصم راغم وطنی انت کل المنی

وطنی اننی ان تسلّم سالم و بک العز و الهنا

(طوقان، ۱۹۹۰: ۵۱۱)

(ای وطن! تو مال منی و تو همه آرزو و خواسته ی من، هرچند دشمن را خوش نیاید. سرزمینم! اگر تو در سلامت باشی، من نیز سالم هستم و شادی و شرف با تو معنا دارد.)

از مهم ترین عوامل سیاسی سرایش اشعار وطنی او؛ حضور یهودیان و حمایت بی دریغ استعمار انگلیس از آنان بود که وی را بر آن داشت تا برای تشویق ملتش به قیام و ایستادگی در برابر آنان، اشعار وطنی پرنغزی بسراید. از برجسته ترین قصائد طوقان در این زمینه، قصیده «نشید فلسطین» است که در آن؛ عشق به وطن به عنوان یک

مسأله دینی و از نشانه های ایمان مطرح شده است:

دیننا حُبکَ یا هذا الوطن سرنا فیه سواءً و العن

(طوقان، ۱۹۹۳، ۲۶۲)

(دین ما عشق به تو است ای وطن! پنهان و آشکار ما در مورد آن؛ آشکار است.)

مفهوم وطن در دوران معاصر و به ویژه در عصر مشروطه؛ مهم ترین موضوع مورد توجه شاعران بوده است. در اشعار عشقی گاهی عشق به وطن، همراه با چنان شور و اشتیاقی است که ناخودآگاه احساسات هر خواننده ایی را بر می انگیزد. وی همچون بلیلی بر شاخسار تکیه می زند و زیباترین و عمیق ترین احساسات وطن پرستانه خود را به زبانی شیرین و آهنگین نغمه سرایی می کند:

خاکم به سر، زغصه به سر، خاک اگر کنم خاک وطن که رفت، چه خاکی به سر کنم؟

آوخ کلاه نیست وطن تا که از سرم برداشتند، فکر کلاهی دگر کنم
معشوق «عشقی» ای وطن، ای عشق پاک ای آنکه ذکر عشق تو شام و سحر کنم
(عشقی، ۱۳۵۷: ۳۷۷)

مرا عزاست نه عید این چه عید قربان است که گوسفند وطن زیر تیغ خصمان است
الا که عید من امروز نیست، چون قربان شوم پی وطن آن روز عید قربان است
مرا به جامه عیدی مبین، دلم خون است درون خانه عزا و برون چراغان است
(عشقی، ۱۳۵۷: ۴۱۱)

عشقی حتی از عزیزترین موهبت زندگی یعنی روح و جان خویش نیز برای وطن مایه می گذارد و وطن دوستی را وظیفه ای
تلقی می کند که حاضر است در همه حال، خون خویش را در راه آن نثار کند: «ما نمی ترسیم. ما مرگ را حقیر می شماریم.
ما میل داریم که در راه وظیفه، کشته شویم؛ به شهادت برسیم. این منتهای آمال ما و رفقای ما خواهد بود. ما نخواهیم مرد؛
ثبت است بر جریده عالم دوام ما.» (علی بابایی، ۱۳۸۲: ۱۴۶).

شراب مرگ خورم بر سلامتی وطن بجاست گر که بدین مستی افتخار کنم
(همان: ۳۸۰)

۷- استعمارگران و وطن

ابراهیم طوقان در مقابل توطئه های که برای وطنش چیده شده، بدون هیچ شبهه و تردیدی پایداری نمود. وی شاهد فعالیت
های استعمارگران بود و تلاش های پیدا و پنهان یهودیان را در راه خرید و غصب روز افزون فلسطین درک می کرد. این آگاهی
در شعر وی، به صورت نهیب سیاسی قابل ملاحظه است:

لنا خصمانِ ذو قولٍ و طولٍ و آخرذو احتیالٍ و اقتناض
تواصلوا بینهم فأتی و بالاً و إذلاً لنا ذاک التّواص
(طوقان، ۱۹۹۳، ۳۵۳)

(ما با دو دشمن روبرو هستیم، یکی سخن گو و قدرتمند و دیگری فرصت طلبی فریب کار است. آنان با هم متحد شدند و این
اتحاد برای ما ذلت و خواری به همراه آورد.)

در این قصیده چون مخاطب طوقان؛ مردم هستند از تصاویر خیالی بهره نبرده و به صراحت با آنان سخن گفته است که
دشمنانشان؛ انگلیس و یهود هستند که علیه آنان با هم متحد شده و نباید بر ایشان اعتماد کرد چرا که در این صورت دچار
خسران و ذلت و خواری می گردند.

ورود استعمارگران به ایران از دوره قاجار آغاز می شود و پس از آن در سراسر قرن نوزدهم و بیستم ایران همواره عرصه رقابت
نیروهای استعمار گر به خصوص انگلیس و روسیه واقع می شود. عشقی هم مانند دیگر شاعران این دوره بسیار از وطن و وطن

پرستی سروده و در اشعارش از ظلم و ستمی که بیگانگان و سران مملکت نسبت به آن روا می‌دارند بسیار سخن گفته و سعی کرده که با قلم و بیان تند و آتشین از آن دفاع کند.

اشاره به سلطه انگلیس بر یاران و شرح پیامدهای آن همواره از مضامین مکرر اشعار عشقی است. او انگلیس را حریف نیرومندی می‌داند که تمام کشورهای آسیایی را تحت سیطره خود در آورده است:

نازم به گوی بازی مردان انگلیس خم گشته دهر ز چوگان انگلیس

ایران و هند و تازی و سودان و ترک و چین افتاده همچو گوی به میدان انگلیس

(عشقی، ۱۳۴۲: ۴۱۰)

شاعر برای نشان دادن قدرت انگلیسی‌ها در استعمارگری، آنان را به چوگان بازان ماهری تشبیه کرده که حتی روزگار را هم مطیع خود ساخته‌اند. در مقابل کشورهای تحت سلطه انگلیس را هم به گوی‌هایی تشبیه کرده که از خودهیچ اراده‌ای ندارند و با اراده استعمارگران به هر سو رانده می‌شوند. نکته قابل تامل، دیدگاه فرامرزی شاعر است بطوری که استعمار را نه فقط برای وطن خویش نمی‌پذیرد بلکه حضور استعمارگران در دیگر نقاط دنیا را هم مورد انتقاد قرار می‌دهد.

۸- انتقاد از ضعف و سستی حاکمان

یکی از وجوه اشتراک این دو شاعر در رویکرد ملی‌گرایانه آنان، سرزنش سران و رهبران وطن و انتقاد از سستی، ضعف و بی‌توجهی ایشان به منافع و مصالح کشور است. ابراهیم طوقان در انتقاد از ضعف و سستی رهبران وطنش، قصیده مشهوری با نام «سراة البلاد» سروده است:

۱- یا سراة البلاد یکفی البلاد ما أذاب القلوب والأکباد

۲- وَعَدُّ بِالْفُورِ دَكْهَا فَلَمَّاذَا تَجْعَلُونَ الْأَنْقَاضَ مِنْهُ رَمَادًا

۳- وَطَنٌ بَائِسٌ يُبَاعُ وَ أَنْتُمْ لَا تَزَالُونَ تَخْدَعُونَ الْعِبَادَ

(طوقان، ۱۹۹۳: ۵۸)

(۱- ای سردمداران کشور آنچه که قلب‌ها و دل‌ها را ذوب می‌کند، برای این سرزمین کافی است. ۲- عهد نامه «بالفور» آن را ویران کرد؛ پس چرا خرابه‌های آن را تبدیل به خاکستر می‌کنید. ۳- وطن بیچاره‌ای که فروخته می‌شود و شما پیوسته این مردم را فریب می‌دهید)

از مشهورترین قصاید سیاسی ابراهیم، قصیده‌ای به نام «أنتم» است که وجود کلماتی مانند (المخلصون، بیان و اجتماع) در ابیات ابتدایی؛ سیاسی بودن آن را بیشتر جلوه‌گر ساخته و در آن با زبان طنز و سخره؛ خطاب به سردمداران حکومت می‌گوید:

۱- أَنْتُمْ (المخلصون) لِلْوَطَنِيَّةِ أَنْتُمْ حَامِلُونَ عِبَاءَ الْقَضِيَّةِ

۲- (و بیان) مِنْكُمْ يَعْدِلُ جَيْشًا بِمُعَدَّاتِ زَحْفِهِ الْحَرْبِيَّةِ

۳- (و اجتماع) مِنْكُمْ يَرُدُّ عَلَيْنَا غَابِرَ الْمَجْدِ مِنْ فَتُوحِ أُمَّيَّةِ

۴- فی یدینا بقیه من بلاد فاستریحوا کی لا تطیر البقیه

(طوقان، ۱۹۹۳: ۲۱۵)

(۱- شما مخلص ملت و بر دوش کشنده مشکلات آن هستید. ۲- کلام شما به مانند سپاهی مجهز، تأثیر و نفوذ دارد. ۳- مجلسی که شما بر پا می کنید عظمت و شکوه بنی امیه را زنده می کند. ۴- تکه هایی از کشور هنوز در دست است، آسوده باشید نمی گذاریم از چنگمان برود.)

بیشترین انتقادات عشقی، متوجه سیاستمداران، قانونگذاران و نمایندگان مردم است؛ وی پرده پوشی را کنار گذاشته و آشکارا به نقد شاه و شاهزادگان، مجلسیان و شیخان تاخته و در تیر رس هزل و هجوشان قرار داده است از نظر عشقی سرزمین ایران وضع دوره چنگیز را به خود گرفته؛ زورگویی، ستیزه جویی، پریشانی، بدبختی، دزدی، دیده ایرانی را پر خون و وجود شاعر را مجنون کرده است. ترقی در کشور «قحط الرجال»، محال و آزادی بر مردم وبال است وزیر و وکیل هم در «فکر آجیل» است:

دخترک اند پی هر کج سبیل مادر بیچاره، فتاده علیل

پرستارانش زوزیر و وکیل جمله فتادند، به فکر آجیل

به به ازین مملکت خر تو خرا!

(عشقی، ۱۳۵۷، ۴۲۴)

وی چون از دسیسه های پشت پرده ی سیاست با خبر بود، زمانی که ندای جمهوریت را شنید، با آن به مخالفت بر خاست و منظومه مهم «جمهوری نامه» را در ضدیت با آن سرود. «جمهوری نامه» با این بیت آغاز می شود:

چه ذلت ها کشید این ملت زار دریغ از راه دوری و رنج بسیار

(عشقی، ۱۳۴۲: ۲۸۶)

عشقی با آن که جوانی پور شور و انقلابی و طرفدار حکومت جمهوری بود با این جمهوری ساختگی شدیداً مخالف بود و علاوه بر منظومه «جمهوری نامه» رسماً در مقاله ایی با عنوان «جمهوری قلابی» ناخشنودی و مخالفت خود را ابراز کرد (باحقی، ۱۳۷۸: ۷۲).

عشقی مهم ترین علت عدم پیشرفت ایران آن روز را نداشتن سیاستمداران و دولتمردان دلسوز و خردمند می دانند که هم سبب ویرانی مملکت شده اند و هم با رویه مستبدانه خود، راه آزادی را سد نموده اند.

۹- مفهوم آزادی و عدالت خواهی

بحث آزادی و عدالت خواهی، یکی از موضوعات مهم ادب معاصر است و شاعران معاصر برای تحقق آزادی در وطن خویش بسیار کوشیده و از نبود آن در وطنشان ناراضی اند. ابراهیم طوقان و عشقی نیز مانند این شاعران، فریاد آزادی و عدالت خواهی سر داده و ازدخالت استعمارگران در مورد کشورشان ناخوشنودند چنانکه طوقان در برخی از قصاید خود دفاع کرده است. شاعر، رهبران داخلی کشور را خطاب می کند که زبان ها اجازه بیان اعتراض ندارند و باید سکوت اختیار کنند. او در این بیت به نبود آزادی در وطن اشاره می کند:

بنی وطنی هل یقضه بعد رقدہ و هل من شعاعِ بین تلک الغیاب

(طوقان، ۱۹۹۰: ۳۳۸)

(فرزندان وطن من! آیا بعد از خواب بیداری لازم نیست و آیا از میان آن تاریکی ها پرتو نوری لازم نیست؟)

یکی از مضامین اصلی شعر مشروطیت مفهوم آزادی است. میرزاده عشقی از شعرایی است که شعر خود را در خدمت آزادی قرار داده است. عشقی چاره کار را در انقلاب خونریزی می داند، آن هم درست پس از مشروطه که خونها و شهیدان زیادی را موجب شده بود.

این ملک، یک انقلاب می خواهد و بس خونریزی بی حساب می خواهد و بس

امروز دگر درخت آزادی ما از خون من و تو آب می خواهد و بس

(عشقی، ۱۳۵۷: ۲۶)

آزادی در شعر عشقی بیشتر در مفهومی مترادف با قانون خواهی، آزادی قلم و بیان استعمال شده است. (آجوادانی، ۱۳۸۲: ۲۳۷).

به عنوان مثال هنگامی که عشقی می سراید:

عاشقی را شرط تنهاناله و فریاد نیست تا کسی از جان شیرین نگذرد، فرهاد نیست

آفرین بر مجلس ملی و آزادی فکر من چه بنویسم؟ قلم در دست کس آزاد نیست

(آجوادانی، ۱۳۸۲: ۲۹۵)

طوقان در برخی اشعارش از نبود عدالت در وطن رنج می برد. یکی از آرمان های دو شاعر، انتقاد از بی عدالتی های حاکمان مستبد است که به مبارزه با آن پرداخته اند. هدف از این مطالب، بیداری مردم از غفلت و جهلی است که حکام بر آنان روا داشته اند. طوقان با لحن تمسخر آمیزی، بی عدالتی دولت بریتانیا را به سخره گرفته و اعتراض خود را نسبت به مسئله قیومیت و قرارداد بالفور بیان می کند:

۱- قد شهدنا لعهدکم (بالعدالة) ... لختمنا لجندکم بالبساله!...

۲- و عرفنا بکم صدیقاً و فیاً کیف ننسی انتدابہ و احتلالہ ...

۳- و خجلنا من (لطفکم) یوم قلتم وعدُّ بالفور نافذاً لمحاله!

۴- أجلأ عن البلاد تریدون فنجلوا، ام محقنا والازاله!

(طوقان، ۲۰۰۵: ۳۳۲)

(۱- ما برداد گستری شما اذعان داریم. می پذیریم که سربازان مبارزی دارید. ۲- دوستی شما یاران وفادار بر ما ثابت شده است، چه شما بودید که کشور را فتح کردید و قیم ما شدید. ۳- نیازی نبود که ما را خجالت دهید و بر اجرای مفاد اعلامیه بالفور

تاکید کنید. ۴- ای کاش زودتر می گفتید که دلتان می خواهد ما فلسطینیان کشورمان را ترک کنیم بر روی چشم! ترک وطن که چیزی نیست! دلتان می خواهد شما را ریشه کن کنید؟ بگویید!

عشقی گذشته از قدرت طبع و قریحه سرشار و قلم توانایی که داشت. در عالم سیاست نیز دارای روح حساس و شهامت و صراحت گفتاری بود که در دوره مشروطیت ایران نظیر او جزء چند نفر یافت نمی شد:

به به ازین مجلس ملی و آزادی فکر من چه بنویسم قلم در دست کس آزاد نیست

رای من این است کاندید از برای انتخاب اندر این دوره مناسب تر از شهادت نیست

(عشقی، ۱۳۴۴: ۳۶۴)

شاعر با این بیانات وضع حاکم بر کشورش را به تصویر می کشد و از نمایندگان مستبد مجلس که آزادی و اجازه بیان افکار به مردم خویش نمی داد انتقاد می نماید. او با لحنی تمسخر آمیز اعلام می دارد که بهترین فرد برای کاندید شدن در آن دوره، شهادت است که به استبداد و خشونت معروف و مشهور بوده است.

۱۰- نکوهش روزنامه ها و روزنامه نگاران

طوقان به دلیل حمایت روزنامه ها از دلالان زمین، به شدت از روزنامه نگاران انتقاد می کرد:

أَمَا سَمَاسِرَةُ الْبِلَادِ فُعُصْبَةُ عَارٍ عَلَى أَهْلِ الْبِلَادِ بِقَاوِهَا

و من العجائب إن كُشِفَتْ قُذُورُهُمْ أَنْ الْجِرَائِدِ، بَعْضُهُنَّ، غَطَاوِهَا (طوقان، ۱۹۹۳، ۲۱۲)

(اما دلالان کشور، گروهی هستند که ماندنشان ننگی برای مردم است؛ و از چیزهای شگفت انگیز؛ این است که اگر پلیدی های آنان آشکار شود؛ بعضی روزنامه سرپوشی برای آن می گردند.)

طوقان، روزنامه نگاران را به خاطر وجود بی عدالتی فراوان در روزنامه بیم می دهد:

لِلْحَقِّ سَطْرٌ فِي صَحَافَتِنَا وَلِلتَّضَلُّيلِ نَهْرٌ قَلْبَ صَحَافَتِنَهَا يَطَّلُ عَلَيْكَ بَهْتَانٌ وَ هَجْرٌ

(طوقان، ۱۹۹۳، ۳۰۳)

(حق در روزنامه ها به اندازه سطری است و گمراهی به اندازه رودی. ای روزنامه ها آن را دگرگون کنید چرا که در غیر این صورت بهتان و ناسزا بر شما؛ چیره می شود.)

و در جای دیگر می گوید:

أَيْنَ الصَّحَافِيُّ الصَّرِيحُ تَرَاهُ يُعْلِنُ مَا يُسِرُّ

صَلْبٌ فَلَا قَرْبَى تَمِيلُ بِهِ وَ لَا مَالٌ يُعْزِ

(ابوحاقه، ۱۹۷۹: ۲۷۴)

(کجاست روزنامه نگاری صریح و جسور که آنچه مخفی و پنهان است را ببیند و آشکار کند؟ اینان انسان های سختی هستند که نه نزدیکانشان به آنان تمایل دارند و نه مال و ثروت آنها را شریف و بزرگواری می کند.)

عشقی روز نامه نگارانی را که به حمایت از «جمهوری نابالغ»، برخاسته اند و از آن طرفداری می کنند، به شدت مورد خطاب قرار می دهد؛ تا جایی که در مقاله «مظهر جمهوری»، هریک از روزنامه های طرفدار جمهوری قلبی را به شکل حیوانی نشان می دهد: افعی: روزنامه ی جمهوری/ جغد: روزنامه ی تجدّد/ موش: روزنامه ی کوشش/ سگ: روزنامه ی ستاره/ الاغ: روزنامه ی گلشن. در مقاله ی «نوحه ی جمهوری»، تصویری از «جنازه ی مرحوم جمهوری قلبی» را می کشد که مرغان لاشخور در بالای تابوت آن در پروازند و این گونه ندا سر می دهند:

من که یکی لاشخور آزاده ام بهر فروش وطن آماده ام

لنگ بود امشب عراده ام در پی این تازه لش افتاده ام

تا بکنم لقمه ای از آن جدا آه که جمهوری ما شد فنا

(عشقی، ۱۳۵۷: ۲۸۴)

۱۱- دعوت به همبستگی و اتحاد

طوقان، مردم سرزمینش را و به ویژه مسئولان و رهبران وطنش را به اتحاد و همبستگی دعوت می کند:

الله ثم الله ما أحملي التضامنَ و الوفاءَ بورکت مؤتمرا! تألف لانزاع و لاشقاقا

(طوقان، ۱۹۹۳: ۲۸۹)

(پروردگارا! چه شیرین است اتحاد و همکاری! آفرین بر کنفرانسی که در آن نزاع و نفاقی وجود ندارد!)

عشقی در مواقعی راه نجات هم میهنانش از دست اجانب را در اتحاد و وحدت با اقوام دیگر، از جمله ترکان عثمانی، جستجو می کند. در بخشی از «نوروزی نامه» در اتحاد و یگانگی ایرانیان و ترکان و پیروزی دو ملت در سایه ی وحدت و رسیدن به روزهای طلایی این گونه سخن می راند:

نگارینا! من آن خواهم که با توفیق یزدانی همان مهری که مابین من و تو هست میدانی

شود تولید بین ما ر ایرانی و عثمانی همان روزاست می بینیم، تبه این شام ظلمانی

زطل طلعت و انور فضای شرق نورانی همان گونه که تو با طلعت خود عالم افروزی

زیک ره می روم از ما سوی بیت الحجر باهم ازین رو اندرین ره همهریم و همسفر باهم

چرا زین رو نیامیزیم چون شهد و شکر باهم قرین یک دگرروز خوش و گاه خطر باهم

فراگیریم باز از سر، جهان را سربه سرباهم به توفیق خداوندی و با اقبال و فیروزی

(عشقی، ۱۳۵۷: ۲۷۱)

۱۲- استفاده از الفاظ عامیانه در میان مردم

یکی دیگر از ابزارهای زبان ابراهیم برای بیان اشعار ملی وطنی خود، استفاده از تعابیر و اصطلاحات و جمله های رایج در میان مردم است؛ از جمله در بیت زیر:

او تبصرون و تسالون ماذا یكون؟! إنَّ الخداعَ له فنون مثل جُنون

(یا می بینید و سؤال می کنید که اینها چیست. همانا فن و دانش در نزد انسان فریبکار همانند دیوانگی است.)

تعبیر «فنون مثل الجنون» یکی از تعابیر عامیانه است (طه، ۲۰۰۴: ۲۳۳).

عشقی نیز که شاعری کاملا مردمی است، بسیاری از عناصر فرهنگ عامه را در اشعار خویش به کار گرفته است که به برخی از آنها در زیر اشاره می شود.

نیست بر این ملت یک لاقبا فکر اجانب پس از این راهنما

(عشقی، کتاب ۵، ۱۳۳۱: ۲۱)

یاسی ما هست ای یار عزیز حضرت جمبول یعنی انگلیز

ملک ما را خوردنی فهمیده است بر سر ما شیرها مالیده است

(عشقی، کتاب ۵، ۱۳۳۱: ۳)

خاکم به سر زغصه به سر خاک اگر کنم خاک وطن که رفت چه خاکی به سر کنم

(عشقی، ۱۳۰۹: ۲۰۲)

۱۳- نکوهش بی تفاوتی مردم نسبت به وطنشان

طوقان، مردم کشور خویش را به عنوان یکی از مهم ترین عوامل بدبختی و گرفتاری وطن خود، سرزنش می کند.

طوقان معتقد است که ضعف و سستی مردم، سبب قدرت یافتن دشمنان و رهبران نالایق شده است و از عملکرد و مواضع نادرست آنها در برار رهبران خائن و وطن فروشان، و سستی و عدم تعصب و غیرت آنان در برابر وطن به شدت انتقاد می کند. از جمله قصاید طوقان در این زمینه قصیده «فلسطین مهد الشقاء» است که در آن بعد از بیان مشکلات و گرفتاری های موجود در وطنش، از مردم کشور خویش به شدت انتقاد و آنها را سرزنش می کند و می گوید:

هیهات ذلک إنَّ فی بیع الثری فُقَد الثراء

مَنْ ذَا أَلومسوی بنی وطنی علی هذا البلاء؟

(طوقان، ۱۹۹۰: ۳۰۳)

(همانا فروش خاک وطن، از دست رفتن ثروت است. چه کسی را جزء فرزندان وطنم (می توانم) به خاطر این بلا و مصیبت سرزنش کنم؟)

طوقان همچین در قصیده دیگری، هموطنانش را به خاطر سستی و عدم برخورد قاطعانه با دشمنان سرزنش می کند و می گوید:

لا یلین القویٰ حتی یُلاقى مثله عِزَّةً و بطشاً و جاها

لا سمئ اُمَّةً ذَهَبَتْهَا خطوب أَرْهَقَتْهَا و لایثور فتاها

(طوقان، ۱۹۹۰: ۳۰۱) (انسان قوی و نیرومند نرم نمی شود تا اینکه با انسانی مانند خودش از نظر قدرت و درندگی و جاه و مقام برخورد کند. امتی سیادت نیافت که حوادث بر او وارد شد، او را خسته کرد و جوانمردان آن انقلاب نمی کنند.)

عشقی از عموم افراد سرزمینش انتقاد می کند؛ بر مردم از این که روح ناب ایرانی و نسل پاک ساسانی از میان رفته؛ نجات بخشی به پانخواسه و بیگانگی و وطن فروشی و تفرقه افکنی زیاد شده، خرده می گیرد. ملتی که حتی جرأت اعتراض بر معترضان خود را ندارد، در نظر شاعر، محکوم به فناست:

ملتی را که چنان جرأت و طاقت نبود که به خس گوید کذب تو صداقت نبود

پی حفظ وطن خویشتش، لیاقت نبود عید بگرفتن این قوم، حماقت نبود؟

عید، نی، در خور یک ملت محکوم به فناست

(عشقی، ۱۳۵۷: ۳۲۳)

در جایی دیگر می گوید که اقتدار و افتخار را فرنگیان می برند؛ در حالی که دونی و گمراهی را ایرانیان به جان می خرند. رجال ایران را «دزد و خنثی» و زنان وطن را «سیه رخت و سیه بخت» نام می نهد. بر آن است که ملت با کمال امتنان خود را اسیر دشمن می کند و چاره هر کار را از طریق دعا و ذکر و جنون می جوید؛ صبح تا شام به تریاک و افیون پناه می برد؛ دشمنان را به شبیخون دعوت می کند و با شاعرش این چنین می کند:

ملتی کاو با چو پور عزیز این وطن آن چه با یوسف نمود از بخل شمعون می کند ...

ای خدا جای تشکر چشم زخم می زند چشم من هم چشمی ار با رود جیحون می کند

(عشقی، ۱۳۵۷: ۳۳۶)

۱۴- نتیجه گیری

۱- ادبیات مقاومت ایران و فلسطین بنا بر دلایل عدیده تاریخی، سیاسی و اجتماعی آکنده از روح مقاومت است. انسان هایی واقع بین و کمال گرا پس از رویارویی با ستم و بیداد در ایران و فلسطین به دنبال اجرای رسالت انسانی خویش حرکت می کنند.

۲- هم زمان با انقلاب مشروطه و سال های پس از آن شاعرانی ظهور کردند که یکی از مضامین مشترک سروده ای ایشان وطن خواهی بود؛ تا آنجا که میهن پرستی یکی از ویژگیهای سبک مشروطه به شمار می رود. عشقی از جمله شاعران این عصر است که در وطن پرستی او شکی نیست.

۳- ادبیات مقاومت برای تشویق مردم به نجات و دفاع از ارزش های اعتقادی و ملی در برابر متجاوزان لازم است ادبیات مقاومت فلسطین و ایران میراث بسیار ارزنده ایی است که باید ارج نهاده شود.

۴- شعر انقلابی فلسطین از نظر بیشتر ناقدان ادبی، شعر انقلابی متعهد در برابر مردمی است که خود رکن اصلی انقلاب به شمار می روند و این شعر جزئی از انقلاب مسلحانه آن است، زیرا انقلاب مسلحانه فلسطین با مشارکت ادب و هنر شکل گرفته است.

۵- طوقان و عشقی به عنوان شاعرانی متعهد و اجتماعی با اشعار خویش بر بیگانگان تاخته اند، و تمام سعی خود را در آگاهی مردم نسبت به استعمارگران و دفاع از حقوق کشور خویش به کار بسته اند.

۶- شعر طوقان و عشقی پیوند خورده با سیاست و در خدمت جامعه و تاریخ است؛ ابزاری است برای انتقال و بیان خواسته های بحق مردم و سلاحی است برای رویارویی با بی داد و استبداد. «وطن» نزد آنها مقدس ترین آرمان است؛ چرا که مهر این عشق پاک، چون شیر مادر در وجودشان رخنه کرده است.

منابع

۱. آجودانی، ماشاءالله. یا مرگ یا تجدد. (۳ جلد)؛ تهران: اختران. ۱۳۸۲.
۲. آراین پور، یحیی. (۱۳۸۲). از صبا تا نیما، ج ۲، چاپ هشتم، تهران: زوار.
۳. آراین پور، یحیی. (۱۳۸۲). از نیما تا روزگار ما، ج ۲، چاپ چهارم، تهران: زوار.
۴. میرزاده عشقی، محمد رضا. کلیات مصور عشقی. به کوشش: علی اکبر مشیر سلیمی. ج ۷. تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۷.
۵. میرزاده عشقی، سید محمد رضا. ۱۳۴۴، کلیات مصور عشقی، به کوشش: علی اکبر مشیر سلیمی. چاپ چهارم. تهران: امیر کبیر.
۶. عشقی، سید محمد رضا. ۱۳۴۴، میرزاده عشقی، به کوشش: علی اکبر مشیر سلیمی. چاپ پنجم. تهران: امیر کبیر.
۷. میرزاده عشقی، سید محمد رضا. ۱۳۳۱، کلیات مصور عشقی، به کوشش: علی اکبر سلیمی. تهران: امیر کبیر.
۸. میرزاده عشقی، سید محمد رضا. ۱۳۰۹، دیوان اشعار، به سعی و اهتمام مالکین چاپخانه هورسن و یرایزاده خرمشاهی، علی اکبر مشیر سلیمی. بمبئی: بی نا.
۹. علی بابایی، داوود. (۱۳۸۲). گفته های میرزاده عشقی. تهران: امید فردا.
۱۰. یا حقی، محمد جعفر. جویبار لحظه ها. تهران: جامی، ۱۳۸۷.
۱۱. ابوحافه، احمد. (۱۹۷۹). الالتزام فی الشعر العربی. بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۲. طوقان، ابراهیم (۲۰۰۵). دیوان ابراهیم طوقان، الأعمال الشعریة. بیروت: دارالعودة.
۱۳. طوقان، ابراهیم (۱۹۹۳). الأعمال الشعریة الكاملة، الطبعة الثانية. بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات و نشر.
۱۴. طوقان، ابراهیم. (۱۹۹۰). دیوان. بیروت: دارالقدس.
۱۵. طه، المتوکل. (۲۰۰۴). حدائق ابراهیم. بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات و نشر.

Comparative Study of Nationalism and Love of Country in the Poetry of Ibrahim Touqan and Mirzadeh Eshghi

Fateme Sahradavan

Corresponding Author: MA student of Arabic Language and Literature, Islamic Azad University of Kahnuj

Abstract

Iran and Palestine have always faced enormous incidents in history, so the resistance literature has become very prominent in these two lands. The poetic expression of patriotism, the struggle against despotism and colonialism, and domestic sacrifice are the hallmarks of the literary genre, which has been widely reflected in the poetry of the two lands.

In the poem of Ibrahim Touqan, a nationalist and liberal Palestinian poet, and Mirzadeh Eshghi, a nationalist and patriotic Iranian poet, a sense of love for the homeland and sacrifice for liberation are obvious. Because the poems of these two poets are incitement to patriotism and liberation based on nationalism in order to create a spirit of stability and self-sacrifice and resistance for homeland and freedom. Therefore, the social and political poetry of these two poets have a lot in common.

Keywords: love of homeland, nationalism, resistance literature, Palestine, Iran, Ibrahim Touqan, Mirzadeh Eshghi
